

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: وبلاگ کریگ موری
فرستنده: عثمان حیدری
۱۵ نومبر ۲۰۲۰

رؤسای جمهور امریکا

ترمپ نه به دست «برنی ساندرز»، بلکه با یک کودتای سیاسی فاسد به کمک رسانه‌هایی که جیره‌خوار میلیاردرها هستند، زیر ضرب قرار گرفت. با کمک مالی وال استریت و بدون هر نوع انگیزه و نیاتی برای دنبال کردن راه دیگری جز از سیاست اقتصادی نولیبرالی، که در ضمن به معنای احیای مجدد رژیم دولت امنیتی و مجتمع صنعتی-نظامی است. با جو بایدن ما دوباره با روال کار عادی که به معنای جنگ و تجاوز است روبه‌رو خواهیم بود. در دوران ترمپ جنگ جدیدی آغاز نشد، هر چند که او با کنترولی بیشتر به جنگ‌های کهنه ادامه داد.



من به دو دلیل بندرت درباره انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده وبلاگ‌نویسی کرده‌ام. نخست، بحث چنان دوقطبی است که مردم بسیاری به بحث منطقی که از چند الگوی رفتاری هر طرف فراتر رود بی‌توجه هستند و من تاکنون در زندگی به اندازه کافی دشنام خورده‌ام. دوم، از موقعی که من مدت زمان قابل توجهی را در ایالات متحده آمریکا گذراندم چندین سال می‌گذرد، و آن کشوری است که من کمتر و کمتر درک می‌کنم. من ترجیح می‌دهم در مورد چیزهایی وبلاگ‌نویسی کنم که در آن نه تنها قضاوت، بلکه ذخیره اضافی دانش را به ارمغان بیاورم.

من اغلب [و] بسیار، به خاطر ننوشتن درباره یک موضوع سرزنش می‌شوم؛ تعدادی از مردم به من مراجعه کرده‌اند و از من خواسته‌اند درباره ناگورنو-قره‌باغ بنویسم و در واقع برای نوشتن درباره موضوع به من پیشنهاد پول داده‌اند، پیشنهادی که احتمال می‌دهم با شروطی درباره آن‌چه که باید بنویسم همراه می‌بود. من هرگز چنین پیشنهاداتی را نخواهم پذیرفت. من یک روزنامه‌نگار فاسد شبیه روزنامه‌نگاران بسیار محترم رسانه‌های جریان اصلی (Mainstream) نیستم.

که برای تبلیغات از «ابتکار راست‌کرداری» مخفیانه از دولت بریتانیا پول دریافت می‌کنند. اما همچنین ناگورنو-قره‌باغ یک اختلاف باستانی و در هم پیچیده با ریشه‌هایی در ژرفای تاریخ، با پی‌آمدهای مدرن پیچیده است، که پیش از آن‌که من آماده باشم درباره آن اظهار نظر کنم به مقدار زیادی مطالعه نیاز است. این یک بخش از منطقه‌ای است که من در واقع درباره آن دانش ژرفی دارم، اما درباره ناگورنو-قره‌باغ به اندازه کافی خاص نیست.

من فکر می‌کنم تبدیل نشدن به یک تحلیل‌گر همه‌کاره که درباره هر چیزی که اتفاق می‌افتد نظرات نسنجیده شلیک می‌کند، مهم است. این تحلیل‌گران در رسانه‌های جریان اصلی فراوان هستند.

در مورد انتخابات ایالات متحده من غروب دیروز با یک توثیق محدودیت‌های خود را نشان دادم، پیش‌بینی کردم بایدن نسبتاً راحت پیروز خواهد شد و ترمپ با وقار کافی خواهد پذیرفت. من اشتباه کردم. من فکر می‌کنم بایدن پیروز خواهد شد، اما نه براحته و با اختلاف کم در ایالت‌های «زنگ‌زده» (rust bucket)، که به ترمپ هر حقی را خواهد داد که در دادگاه جوانب سست شیوه‌های رأی‌گیری ایالات متحده را زیر سؤال ببرد. من هنوز پیش‌بینی می‌کنم در آخر همه این‌ها رئیس‌جمهور بایدن را ببینم. [«راست باکت» یا «راست بلت» به ایالات بخش میانی ایالات متحده گفته می‌شود که کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی آن در چهارچوب جهانی‌سازی نولیبرالی، طی سه دهه گذشته به شرق آسیا و مکزیکو منتقل شدند، و اسکلت واحدهای عظیم تولیدی سابق همه زنگ‌زده شده‌اند. عدالت]

من می‌دانم که بسیاری از خوانندگان من از رفتن ترمپ احساس پیروزی خواهند کرد. من می‌توانم این‌را درک کنم. از نظر سیاست داخلی ایالات متحده و به ویژه برخوردها با شکاف اجتماعی، نژاد و مهاجرت، پایان تحریک بدبینانه غریزه آتوپیستی [نیاسانی- رجعت در فرایند تکامل- عدالت] در میان رأی‌دهندگان به وسیله ترمپ در خود چیز خوبی خواهد بود. این یک دوره سالم در سیاست‌های ایالات متحده نبوده است.

ولی ترمپ نه به دست «برنی ساندرز»، بلکه با یک کودتای سیاسی (political hack) فاسد به کمک رسانه‌هایی که جیره‌خوار میلیاردرها هستند، زیر ضرب قرار گرفت. با کمک مالی وال استریت و بدون هر نوع انگیزه و نیاتی برای دنبال کردن راه دیگری جز از سیاست اقتصادی نولیبرالی، که در ضمن به معنای احیای مجدد رژیم دولت امنیتی و مجتمع صنعتی-نظامی است. انزواگرایی غریزی ترمپ او را دشمن منافع دولت امنیتی کرد، که وقت زیادی صرف نمود تا رئیس‌جمهور را تخریب کند و چوب لای چرخ اقدامات او نهد.

با جو بایدن ما دوباره با روال کار عادی که به معنای جنگ و تجاوز است روبه‌رو خواهیم بود. در دوران ترمپ جنگ جدیدی آغاز نشد، هر چند که او با کنترولی بیش‌تر به جنگ‌های کهنه ادامه داد. تردید ندارم که بدون ترمپ سوریه مانند لیبیا با بمب به عصر حجر روانه می‌شد و میلیون‌ها نفر انسان جان خود را از دست می‌دادند.

فارغ از خسارت‌هایی که ترمپ بدون شک در درون ایالات متحده آمریکا و در جبهه‌های مختلف ایجاد کرده، هیلری کلینتن تعداد بیش‌تری از مردم را به قتل می‌رساند؛ البته نه آمریکایی‌ها، بلکه فقط مردم غیرآمریکایی‌ها!!

من مکث می‌کنم تا یادآور شوم که تروریست در وینا سعی کرده بود به عنوان یک جهادگرا به سوریه برود و علیه اسد بجنگد. اگر در انجام این کار جلو او گرفته نشده بود، سعودی‌ها به او کمک مالی می‌دادند، ترک‌ها به او غذا و پوشاک می‌دادند، «سیا» او را مسلح می‌کرد، «سرویس هوایی ویژه» [انگلیس] به او آموزش می‌داد و اسرائیلی‌ها او را تحت حمایت هوایی قرار می‌دادند. او حتا ممکن بود در نقش یک «کلاه سفید» به یک چهره تلویزیونی مبدل شود، یا با قرار دادن ماهرانه بطری‌های کلر در تختخواب‌ها برای تصاویر به وسیله [وب‌سایت] «بلینگکت» استخدام شود. متأسفانه، او که از پیوستن به شورش مورد حمایت غرب منع شده بود، نهایتاً چند اتریشی را به جای سوری‌ها کشت و اکنون یک «تروریست» است، در جایی که جهادگرایان قاتل سوری‌ها «قهرمان» هستند. یک واژه عجیب.

کسی که در سالن ورزشی منچستر بمب گذاشت به وسیله ارتش بریتانیا پس از جنگیدن «در سمت ما» در لیبیا به بریتانیا آورده شده بود. در واقع شما آن‌چه را که می‌کارید درو می‌کنید.

من امیدوارم کسانی که خود را چپ می‌دانند زمانی که روند انتخاباتی نهایتاً، پوپولیسم خارق‌العاده ترمپسم را خواب می‌کند، و ایالات متحده آمریکا را به کنترل نرم‌تر رسانه‌های منظم و طبقات سیاسی و میلیارد‌های کنترل کننده آن‌ها باز می‌گرداند، از آرامش خود لذت ببرند. زیرا هر کس که به رخ دادن چیزی بیش‌تر از این باور داشته باشد احمق است. من گفتم که درباره انتخابات ایالات متحده به دلیل ماهیت جانبدارانه ترسناک بحث، وبلاگ‌نویسی نکردم. حقیقت این است که نظام دوباره قی کرد، دو نامزد حقیقی منفور کاملاً متضاد با منافع حقیقی مردم عادی در ایالات متحده آمریکا را بالا آورد. بایدن برای مقابله با نابرابری ترسناک ثروت و منابع که حیرت‌انگیزترین مشکلی است که کشور با آن روبه‌رو است، کاری انجام نخواهد داد. امیدوارانه او تشنج‌های اجتماعی را در کوتاه‌مدت حل خواهد کرد. اما علت این تشنج‌های اجتماعی یک نظام استثمار خشن طبقات میانی و کارگر است که در بلندمدت پایدار نیست، و ریشه انفجار سیاسی ترمپ بود.

کاملاً هریس البته راست‌گراترین نامزد ممکن برای معاونت رئیس‌جمهور بود. پیش‌روی او در قدرت، علی‌رغم این‌که در دور مقدماتی کاملاً رد شد، در خود محکومیت بزرگ نظام است. من معتقدم درست می‌گویم که کارزار مقدماتی هریس چنان فاجعه‌بار بود که او توانست در کنوانسیون ملی حزب دمکرات صفر نماینده به دست آورد. صفر، هیچ‌ته مطلق. به مثابه نامزد، به طور کامل رد شده به وسیله رأی‌دهندگان دمکرات. برای تأیید این فاکت صفر نماینده، به صفحه ویکی‌پدیا درباره کارزار دور مقدماتی او نگاه کردم، که معلوم شد در کل جعلی‌ترین، قدیس‌نگاری‌ترین، و مانیکور شده‌ترین صفحه ویکی‌پدیا است که من تاکنون در باره هر موضعی دیده‌ام، که بسیار گویا است. ظاهراً کارزار دور مقدماتی او در واقع یک شاهکار درخشان مناظره و ستراتیژی بود، که با جزئیات بسیار بازگو شده است، نه یک شکست مطلق که به صفر نماینده انجامید. صفحه خارق‌العاده ناصداقانه ویکی‌پدیا در خود چندان مهم نیست، اما این نمایانگر دستکاری شومی است که در پشت صحنه‌های صعود کاملاً هریس به قدرت صورت گرفت.

بگذارید در تقویم جمعی خود یادداشت کنیم که طی دو سال دوباره خواهیم دید که آیا ایالات متحده آمریکا وارد دوره‌ای از احیاء شدن پیشرفت اجتماعی شده است و یا این‌که ایالات متحده تنها مواضع خود را در تهدید خشونت‌آمیز جهان تقویت نموده است. من مشتاقانه منتظر زمانی هستم که جریان اصلی هوراکشان هوادار بایدن کوشش کند، به غیر از «ولی ترمپ آدم شروری است» چیز مثبتی برای تمجید بایدن بیابد. ولی پیشاپیش می‌توانم بگویم که کلیه پاسخ‌ها همین خواهد بود: «ولی ترمپ آدم شروری است!» این گوی و این میدان.

[American Presidents](#)

تارنگاشت عدالت